



شبهه استناددهی: سلم آبادی، حسن، دانشکده، محمدحسین، و عرفان، امیرمحسن. (۱۴۰۴). بررسی نقاط قوت، ضعف و ارزش‌های حاکم بر محتوا و منابع آموزشی حوزه علمیه تهران. *آموزش، تربیت و توسعه پایدار*، ۳(۴)، ۱-۱۸.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



بررسی نقاط قوت، ضعف و ارزش‌های حاکم بر محتوا و منابع آموزشی حوزه علمیه تهران

حسن سلم آبادی^۱، محمدحسین دانشکده^۲، امیرمحسن عرفان^۳

۱. دکتری مدرسی معارف اسلامی - تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران
۲. دانشیار، گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران
۳. استادیار، گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: mr.salmabadi@yahoo.com

چکیده

حوزه علمیه تهران در دوره پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش) به‌عنوان یکی از مراکز مهم آموزش علوم اسلامی، نقش بسزایی در تربیت عالمان و تولید معرفت دینی ایفا کرد. این پژوهش با رویکرد تاریخی-تحلیلی، نقاط قوت، ضعف و ارزش‌های حاکم بر محتوا و منابع آموزشی این حوزه را بررسی می‌کند. نقاط قوت شامل اصالت اسلامی محتوا با محوریت قرآن و سنت، تنوع و جامعیت رشته‌های علمی (از فقه و اصول تا ریاضیات و نجوم)، و عمق معرفتی متون است که منجر به تربیت عالمان چندوجهی مانند علامه شعرانی شد. وقف‌نامه‌های مدارس نیز با تأکید بر تنوع و کیفیت علمی، بر غنای آموزشی تأثیر گذاشتند. با این حال، چالش‌هایی نظیر عدم به‌روزرسانی متون آموزشی، فقدان زبان آموزشی مناسب، و عدم تناسب محتوا با توانایی‌های فراگیران، کارآمدی را کاهش داد. افراط در تمرکز بر فقه و اصول و کم‌توجهی به علوم دیگر مانند تفسیر و کلام نیز از نقاط ضعف بود. این ضعف‌ها، به‌ویژه در عدم تطبیق با نیازهای اجتماعی و تحولات زمان، مانع از پاسخگویی کامل به مسائل نوین شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اصالت و تنوع محتوا، انسجام و کارآمدی حوزه را تقویت کرد، اما ضرورت بازنگری متون برای تطابق با نیازهای روز و بهبود روش‌های آموزشی احساس می‌شود. این مطالعه خلأ تحقیقات پیشین را با تحلیل عمیق برون‌دادهای علمی و فرهنگی حوزه تهران پر کرده و پیشنهادهایی برای به‌روزرسانی و تقویت نظام آموزشی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌گان: حوزه علمیه تهران، محتوای آموزشی، منابع آموزشی، علوم اسلامی، نقاط قوت و ضعف.

تاریخ ارسال: ۱۸ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۷ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۴ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۷ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ دی ۱۴۰۴



How to cite: Salmabadi, H., Daneshkia, M. H., & Erfan, A. M. (2025). Examining the Strengths, Weaknesses, and Dominant Values of Educational Content and Resources in the Tehran Seminary. *Training, Education, and Sustainable Development*, 3(4), 1-18.



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Examining the Strengths, Weaknesses, and Dominant Values of Educational Content and Resources in the Tehran Seminary

Hassan Salmabadi^{1*}, Mohammad Hosain Daneshkia², Amir Mohsen Erfan²

1. PhD in Islamic Studies - Islamic History and Civilization, University of Islamic Studies, Qom, Iran

2. Associate Professor, Department of History of Islamic Culture and Civilization, Islamic Education University, Qom, Iran

3. Assistant Professor, Department of History of Islamic Culture and Civilization, Islamic Education University, Qom, Iran

*Corresponding Author's Email: mr.salmabadi@yahoo.com

Abstract

During the Pahlavi era (1925–1979), the Tehran Seminary, as one of the prominent centers for Islamic sciences education, played a significant role in training scholars and producing religious knowledge. This study, adopting a historical-analytical approach, examines the strengths, weaknesses, and prevailing values of the educational content and resources of this seminary. The strengths included the Islamic authenticity of the content centered on the Qur'an and Sunnah, the diversity and comprehensiveness of academic disciplines (ranging from jurisprudence and principles of jurisprudence to mathematics and astronomy), and the intellectual depth of texts, which led to the training of multifaceted scholars such as Allameh Sha'rani. School endowment charters, with their emphasis on academic diversity and quality, also enriched the educational system. However, challenges such as the lack of updated textbooks, the absence of an appropriate educational language, and the mismatch between content and learners' abilities reduced effectiveness. Excessive emphasis on jurisprudence and principles, coupled with neglect of other sciences such as exegesis and theology, was also among the weaknesses. These shortcomings, particularly the failure to adapt to social needs and contemporary developments, hindered a comprehensive response to modern issues. The findings reveal that the authenticity and diversity of content enhanced the cohesion and efficiency of the seminary, but there remains a necessity to revise the curricula to align with current needs and improve pedagogical methods. This study addresses the gap in previous research by providing an in-depth analysis of the scientific and cultural outcomes of the Tehran Seminary and offers recommendations for updating and strengthening its educational system.

Keywords: *Tehran Seminary, educational content, educational resources, Islamic sciences, strengths and weaknesses.*

Submit Date: 08 June 2025

Revise Date: 08 September 2025

Accept Date: 15 September 2025

Initial Publish: 08 December 2025

Final Publish: 22 December 2025

محتوای آموزشی یکی دیگر از عناصر بسیار مهم در آموزش است که بدون آن، فرایند آموزش محقق نمی‌شود. محتوای آموزشی باید بر اساس هدف‌های آموزشی معین، تهیه و تنظیم شود. مسلم است که اگر محتوا متناسب باهدف‌ها انتخاب و تنظیم نشوند - حتی اگر هدف‌های آموزشی دقیق و صریح باشند - فعالیت‌های آموزشی هرگز فراگیران را به آنجا که باید برسند، هدایت نخواهد کرد (Shabani, 2007). در این دوره نیز به تبع از دوره‌های پیشین علوم به دو شاخه اصلی «عقلی» و «نقلی» تقسیم می‌شد، دانش‌آموختگان و فارغ‌التحصیلان در رشته فقه را فقیه و در رشته اصول را اصولی، در رشته کلام را متکلم، در رشته حدیث را محدث و حافظ، در رشته علوم قرآن و تفسیر را مفسر، در رشته ادبیات را ادیب، در رشته منطق و فلسفه را فیلسوف، رشته‌های ریاضی، هیئت نجوم را نجومی یا منجم ریاضی یا فرائضی، در رشته پزشکی و داروشناسی را طبیب و دانشمند جامع و آشنا به علوم عقلی و نقلی را حکیم می‌خواندند (Kasa'i, 1998). در این مقاله به نقاط قوت و ارزش‌های حاکم بر محتوا و منابع آموزشی حوزه علمیه تهران و در ادامه به آسیب‌ها و چالش‌ها و نقاط ضعف در آن می‌پردازیم.

پیشینه تحقیق

نتایج حاصل از بررسی نگارنده در طی این تحقیق نشان داد که تا کنون پژوهش مرتبگی با موضوع این تحقیق انجام نگرفته و اندک مطالعات موجود نیز در حوزه تاریخ حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه تهران، عمدتاً بر دوره قاجار تمرکز دارند و کمتر به عصر پهلوی پرداخته‌اند. این مطالعات بیشتر رویکرد توصیفی-تاریخی دارند و بر جنبه‌های ساختاری، معماری و شرح‌حال علما تأکید می‌کنند. مطالعات معدودی نیز بر کارکرد شناختی فرهنگی-اجتماعی حوزه تمرکز داشته‌اند، در حالی که تحلیل‌های عمیق برون‌دادها و دستاوردهای فرهنگی-اجتماعی در آن‌ها کمتر دیده می‌شود.

رضوی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان حوزه علمیه؛ تاریخ، ساختار، کارکرد؛ به این نتیجه رسیدند که محتوای آموزشی حوزه‌های علمیه تهران از اصالت اسلامی (مبتنی بر قرآن و سنت) و تنوع رشته‌ها (فقه، اصول، فلسفه، ریاضیات) برخوردار است که تربیت عالمان جامع را تسهیل کرده است. با این حال، ضعف‌هایی مانند عدم به‌روزرسانی متون (اغلب متعلق به قرن‌های گذشته) و تمرکز بیش از حد بر فقه و اصول، توانایی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی مدرن را محدود کرده است. آن‌ها پیشنهاد کردند که بازنگری در برنامه درسی برای افزایش کارآمدی ضروری است (Razavi, 2011). صفری‌فروشانی و قرائتی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نقش آفرینی مسجد-مدرسه‌ها در اصلاح گفتمان دینی در تهران دوره قاجار"، به این نتیجه رسیدند که محتوای آموزشی مسجد-مدارس تهران با جامعیت علوم نقلی و عقلی، نقش مهمی در آموزش دینی ایفا کرد. با این حال، استفاده از متون سنگین و نامتناسب با توانایی‌های فراگیران، یادگیری را دشوار کرده است. آن‌ها پیشنهاد کردند که با حفظ اصالت محتوا، روش‌های آموزشی مدرن برای بهبود کارآمدی اتخاذ شود (Safari Foroshani & Ghorayati, 2016). سبحانی صدر (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان "فیضیه تهران: شرح حال مفاخر مدارس مروی و سپهسالار"، به این نتیجه رسید که محتوای آموزشی حوزه تهران در دوره پهلوی به دلیل تنوع (فقه، فلسفه، نجوم) و اصالت اسلامی، متخصصان چندوجهی تربیت کرد. اما عدم به‌روزرسانی کتب و تمرکز بیش از حد بر فقه، پاسخگویی به مسائل روز را محدود کرد. وی پیشنهاد کرد که بازنگری در متون درسی برای تطبیق با نیازهای اجتماعی انجام شود (Sobhani Sadr, 2020). نوروزی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی روش‌های آموزش در حوزه علمیه"، به این نتیجه رسیدند که جامعیت متون آموزشی (شامل صرف، نحو، کلام و فقه) و ارزش‌های معرفتی، طلاب را برای پاسخ به شبهات آماده می‌کند. اما عدم به‌روزرسانی کتب و عدم تناسب با توانایی‌های فراگیران، کارآمدی را کاهش داده است. آن‌ها پیشنهاد کردند که با بازنگری برنامه درسی و افزودن روش‌های مدرن، کیفیت آموزش بهبود یابد (Nouruzi, 2015). حسینی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با

عنوان "نقاط قوت و ضعف طرح جدید آموزشی حوزه"، به این نتیجه رسید که محتوای آموزشی جدید حوزه با افزودن مباحث کلامی و قرآنی، تنوع را افزایش داده است. اما کاهش تعطیلات و عدم به‌روزرسانی کافی متون، یادگیری را تحت تأثیر قرار داده است. وی پیشنهاد کرد که با افزودن محتوای کاربردی و تنظیم زمان‌بندی مناسب، چالش‌های آموزشی برطرف شود (Hosseini, 2017).

مطالعه دیگری در این حوزه با عنوان "مسجد مدارس تهران" (Soltanzadeh, 1999) است که به معرفی برخی مسجد-مدارس تهران پرداخته و بر ویژگی‌های ساختمانی و پلان‌های معماری تأکید دارد. همچنین، مطالعه "مدارس قدیم تهران در عصر قاجار" (Kasa'i, 1998) تاریخ تأسیس، موقعیت جغرافیایی و برخی ویژگی‌های معماری این مدارس مذهبی را بررسی می‌کند. بیش از ۱۵۰ مفاخر مدارس مروی و سپهسالار قدیم را توصیف می‌کند، اما فاقد تحلیل کمی-کیفی است.

لذا پژوهش حاضر با تمرکز بر نقاط قوت، ضعف و ارزش‌های حاکم بر محتوا و منابع آموزشی در عصر پهلوی، خلأ موجود را پر می‌کند و رویکرد تاریخی-تحلیلی را تقویت می‌نماید.

روش شناسی تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی توصیفی-تحلیلی نقاط قوت، ضعف و ارزش‌های حاکم بر محتوا و منابع آموزشی حوزه علمیه تهران در دوره پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۴ش) طراحی شده است. روش‌شناسی مطالعه بر اساس رویکرد کیفی-توصیفی قرار دارد که ترکیبی از تحلیل محتوای اسناد و منابع دست‌اول و ثانویه با تأکید بر ارزیابی کیفی و کمی دستاوردها را شامل می‌شود. این روش با توجه به ماهیت موضوع، که نیازمند بازسازی رویدادهای تاریخی و تفسیر عمیق آن‌ها در چارچوب بسترهای آموزشی است، انتخاب شده است.

یافته‌ها

۱. نقاط قوت و ارزش‌ها

یکی از ارکان آموزشی در نهاد آموزشی حوزه علمیه تهران مواد و محتوای آموزشی بود که در نوع خود دارای نقاط قوت و ارزش‌هایی بودند که در ذیل به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

اصالت و اعتبار محتوای آموزشی

یکی از نقاط قوت در محتوای آموزشی در حوزه علمیه، اصالت اسلامی آن می‌باشد. قرآن و سنت، منابع اصلی علوم اسلامی محسوب می‌گردند و در حقیقت علوم اسلامی برای فهم این دو منبع وضع گردیدند (Seyyed Kabari, 1999). بنابراین در حوزه‌های علمیه شیعه، محتوای درسی، با محوریت قرآن و عترت تنظیم گردیده است.

ابتدا در میان مسلمانان، کتاب آسمانی قرآن به‌عنوان متن اصلی آموزش، مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و پیامبر گرامی اسلام (ص) آموزش این کتاب مقدس را در میان مسلمانان آغاز کرد. همچنین سیره و سنت پیامبر اکرم (ص) که برگرفته از وحی الهی بود،^۱ بخش دیگر از محتوای آموزشی در بین مسلمانان بود که آن‌ها به فراگیری، نگارش و نقل آن می‌پرداختند. از این رو قرآن کریم و سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) مبدأ تولید دیگر علوم اسلامی و تحول در علوم انسانی گردید و ضروری بود تا به نسل‌های آینده، به‌عنوان راهنمای حرکت مادی و معنوی منتقل گردد.^۲ بعد از پیامبر، ائمه اطهار (ع) نیز به‌عنوان مرجع علم الهی، به‌صورت هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده ادامه حرکت آموزشی را برعهده گرفته و به شرح و بسط علوم پرداختند و به شاگردان خود سفارش می‌کردند تا برای تداوم و گسترش دین و هدایت بشر آموزه‌ها را به نگارش در بیاورند، آن‌ها به پیروان خود متذکر می‌شدند که اصول احکام را، ما مشخص کنیم و بر شما لازم است که فروع آن‌ها را استخراج کنید (Ibn Idris

۱. «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى». (نجم (۵۳): ۴ و ۵)

۲. ر.ک: مهدوی دامغانی، مصاحبه با برنامه شوکران صدا و سیما شبکه ۴ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۴: <https://www.aparat.com>

1991, al-Hilli). برای رسیدن به اهداف موردنظر در رشته‌های مختلف علوم اسلامی مانند: صرف، نحو، لغت، رجال، درایه، تفسیر، حدیث، فقه، اصول.... (Hassanzadeh Amoli, 2001)، کتاب‌های متعددی که با اصالت اسلامی، توسط دانشمندان اسلامی (Tonekaboni, 1974) نوشته شده بود، برای تعلیم و تربیت فراگیران استفاده می‌شد (Hakimi, 1982). درواقع کتاب‌های درسی در حوزه علمیه مبتنی بر نظام تربیتی اسلامی در چهارچوب فلسفه آموزشی و تربیتی بومی و متناسب با نظام فکری و ارزشی اسلامی بوده است چنان‌که علامه حسن‌زاده آملی درباره اهداف متون آموزشی و درس و بحث، در حوزه علمیه را، تنها خودسازی انسان می‌داند (Hassanzadeh Amoli, 2001). بنابراین به نظر می‌رسد این اصالت و اعتبار محتوای آموزشی در حوزه علمیه، از عوامل مهم هماهنگی، انسجام و درنهایت کارآمدی نهاد آموزشی و تربیتی حوزه علمیه بوده است، برخلاف برخی از متون آموزشی دانشگاه‌ها که اصالت و ریشه آن‌ها بر پایه اصلی «اومانیزم» و «سکولاریسم» در غرب دارد و نوعاً تفکرات غیردینی و ترجمه از تمدن غربی است که در نظام آموزشی دانشگاهی ما وارد شده است.^۱

گونه گونی و تنوع مواد آموزشی

یکی از وجوه امتیاز محتوای آموزشی در حوزه‌های علمیه تنوع مواد درسی و آموزشی در آن بود. طلاب در بدو ورود به حوزه علمیه کتاب جامع‌المقدمات،^۲ که مجموعه‌ای از کتاب‌های مختلف درسی از نویسندگان متعدد است را می‌آموختند (Javadi Amoli, 2022). سپس، شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک، شرح نظام، شرح جامی بر کافیة در صرف و نحو، حاشیه ملا عبدالله بر تهذیب منطق تفتازانی، شرح شمسیه در منطق، مغنی در علم نحو، شرح مطول تفتازانی در معانی و بیان، شرایع‌الاسلام و معالم‌الاصول، شرح لمعه شهید ثانی در فقه، قوانین میرزای قمی، فرایداصول و مکاسب شیخ انصاری را آموزش می‌دیدند.^۳ گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که در حوزه تهران؛ طلاب، پس از خواندن کتاب شرح لمعه، کتاب ریاض المسائل تألیف آیت‌الله سید علی طباطبایی (۱۲۳۱ق)، شرح تجرید، منطق منظومه، شرح منظومه حکیم سبزواری، طبیعیات اشارات ابن سینا، اسفار ملاصدرا، شرح چغمینی، مقدمه بهادری، الهیات و بخش عرفان شرح اشارات، شرح فصوص محی‌الدین عربی را می‌خواندند (Javadi Amoli, 2022). همچنین کتب ریاضی از قبیل خلاصه‌الحساب شیخ بهایی، فارسی هیئت قوشچی، شرح چغمینی قاضی‌زاده رومی، اصول اقلیدس، اکرومساکن ثاودوسیوس، اکرومساکن نالاؤس در مثلثات کروی، شرح خفری بر تذکره خواجه طوسی (در هیئت) مناظر ابن هیثم به تنقیح ابوالحسن فارسی، زیجات الغیبکی و محمدشاهی و بهادری، بیست باب خواجه در اسطرلاب، هفتاد باب شیخ بهایی یعنی رساله حاتمیه در اسطرلاب، و عمل به ربع مجیب و کره متحرک اوطولوقس، و عمل به کره قساط بن‌لوقا که شصت و پنج باب در معرفت ضروری روزانه در هیئت و نجوم است، و مجسطی بطليموس به تحریر خواجه، از کتب درسی حوزه‌های علمیه ما در رشته‌های ریاضی است (Zamani Qomshahi, 2011).

تا اینجا محتوای درسی اغلب درباره ادبیات فارسی و ادبیات عربی، منطق و فقه و اصول و سایر علوم اسلامی بود. عده‌ای از طلاب نیز که به علوم عقلی علاقه داشتند خلاصه الحساب شیخ بهایی^۴ را برای فهم تقویم رقمی و مقداری از اصول اعداد و ارقام را درس می‌گرفتند. برخی از طلاب نیز بر اساس ذوق و علاقه شخصی علم نجوم و هیئت را از کتاب‌های؛ تشریح‌الافلاک شیخ بهایی، مجسطی خواجه نصیرالدین طوسی و تجرید الکلام قوشچی می‌آموختند و در دوره عالی نیز که با عنوان درس خارج شناخته می‌شود؛ موضوعات کتاب‌ها، در خارج از کتاب، موردبحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت.^۵

۱. ر.ک: مقام معظم رهبری، دیدار با استادان دانشگاه‌های استان سمنان، مورخ ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۲. جامع المقدمات که خود شامل چندین کتاب بود از این قرار: امثله، شرح امثله، صرف میر به زبان فارسی، ملامحسن، عوامل منظومه فارسی، کتاب الهدایه در نحو، کتاب صیغ مشکله، کتاب کبری در منطق فارسی، کتاب شرح انموذج و کتاب شرح صمدیه در نحو، ضمناً کتاب آداب المتکلمین منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی نیز در جامع المقدمات آمده است.

۳. ر.ک: تقی زاده، زندگانی طوفانی (خاطرات)، ص ۳۵، جوادی آملی، مهر استاد، ص ۵۶ - ۵۷، شیرازی، در طریق معرفت، ص ۴۷ - ۴۸.

۴. «خلاصه الحساب» که به نام الرسالة البهائیه فی الحساب نیز شناخته می‌شود. یکی از معروف ترین کتب آموزشی در تاریخ ریاضیات دوره اسلامی است. به طوری که تاریخ تألیف متون آموزشی ریاضی را می‌توان به پیش و پس از تألیف این کتاب، تا هنگام ورود دانش جدید ریاضی به بخش وسیعی از سرزمینهای اسلامی، تقسیم کرد.

۵. تقی زاده، زندگانی طوفانی (خاطرات)، ص ۳۶، جوادی آملی، مهر استاد، ص ۴۱.

میرزا طاهر تنکابنی (۱۲۴۲ - ۱۳۲۰ ش) که از دانش‌آموختگان و اساتید حوزه تهران است، برای آگاهی نسل جدید از محتوا و کتاب‌های درسی حوزه علمیه، کتاب‌های مرسوم بین طلاب و محصلین را در سال ۱۳۱۸ شمسی به تفصیل ذکر کرده است (Tonekaboni, 1974). برای آگاهی از تنوع این کتاب‌ها در موضوعات مختلف علمی، به دلیل رعایت اختصار فقط تعدادی از آن‌ها را در جدول ذیل نام می‌بریم:

جدول ۱. توضیح مختصر کتب

موضوع	نام کتاب	نویسنده (توضیح مختصر)
علم صرف	تصریف زنجانی	اثر عزالدین زنجانی است که سعدالدین تفتازانی بر آن شرح نوشته است.
علم صرف	صرف میر	از سید شریف علی بن محمد جرجانی است.
علم صرف	شرح نظام	از مصنفات ابن حاجب نحوی مالکی که متن آن کتاب «شافیه» است و توسط نظام و عده دیگری از علما شرح شده است.
علم نحو	عوامل جرجانی	این کتاب اثر سید شریف علی بن محمد جرجانی است که دارای شرح‌های متعدد است.
علم نحو	عوامل ملا محسن	عده‌ای این کتاب را از آثار ملا محسن فیض کاشانی و بعضی دیگر آن از آثار ملا محسن قزوینی دانسته‌اند.
علم نحو	صمدیه	نوشته شیخ بهاءالدین عاملی همدانی است که شرح‌های متعدد برای آن نگاشته شده است.
علم نحو	انموذج	این کتاب از جار الله زمخشری است که تلخیصی از کتاب مفصل او در علم نحو است.
علم نحو	کافیه	این کتاب از ابن حاجب مالکی است که برای آن شرح‌های متعدد نگاشته شده است.
علم نحو	الفیه ابن مالک	این کتاب مجموعه‌ای در هزار بیت در علم نحو است، اثر ابن مالک اندلسی است که برای آن شرح‌های متعدد نوشته شده است.
علم نحو	مغنی اللیب	ابن هشام
معانی و بیان و بدیع	تلخیص مفتاح العلوم سکاکی	محمد بن عبدالرحمن شافعی
معانی و بیان و بدیع	شرح مطول	سعد الدین مسعود تفتازانی
معانی و بیان و بدیع	شرح مختصر	سعد الدین مسعود تفتازانی
علم منطق	رساله کبری	اثر شریف جرجانی
علم منطق	حاشیه ملا عبدالله	از آثار تفتازانی در منطق و کلام که شرح‌های متعدد بر این کتاب نوشته شده است.
علم منطق	شرح شمسیه	قطب الدین محمود محمد رازی
علم منطق	شرح مطالع الانوار	از آثار سراج‌الدین ارموی
علم منطق	شرح منظومه	در منطق و حکمت از آثار ملاهادی سبزواری
علم منطق	شرح اشارات و تنبیهات	این کتاب یکی از برترین آثار ابن سینا است که شرح‌های متعددی برای آن نگاشته شده است که بهترین آن‌ها شرح فخرالدین رازی بوده که چون شامل برخی نقدها بر ابن‌سیناست، بعضی آن را جرح نامیده‌اند. بعدها خواجه نصیرالدین طوسی، ضمن شرحی که بر اشارات ابن سینا نوشت، به اعتراضات رازی نیز پاسخ داد.
علم منطق	حکمت الاشراق	این کتاب از آثار شهاب‌الدین سهروردی، نماینده منطق اشراق است.
علم منطق	جوهر النضید فی شرح منطق التجرید	حسن بن یوسف بن المطهر الحلی
فلسفه و کلام	شرح هدایه ابهری	اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری
فلسفه و کلام	تجرید	اثر خواجه نصیرالدین طوسی در علم کلام
فلسفه و کلام	کشف المراد	شرحی است بر تجرید از علامه حلی
فلسفه و کلام	شرح تجرید الاعتقاد	شمس‌الدین محمود احمد اصفهانی
فلسفه و کلام	شرح قوشچی	علاءالدین علی بن محمد معروف به قوشچی
فلسفه و کلام	شوارق الالهام	ملا عبدالرزاق لاهیجی
فلسفه و کلام	اسفار اربعه	صدر المتألهین شیرازی
تصوف و عرفان	التمهید فی شرح قواعد التوحید	ابو حامد محمد اصفهانی معروف به ترکه
تصوف و عرفان	فصوص الحکم	اثر محیی الدین ابن عربی که شرح‌های متعددی دارد
تصوف و عرفان	شرح مفتاح الغیب	متن آن از محمد بن اسحق قونیوی از شاگردان ابن عربی
علم طب	شرح نفیسی	نفیس بن عوض کرمانی

علم طب	شرح اسباب	نفیس بن عوض کرماتی
علم طب	کتاب قانون	ابن سینا
علم طب	فصول بقرات	اثر حکیم بقرات است که شروح متعدد برای آن نوشته شده است.
ریاضیات	اصول اقلیدس (هندسه)	با تحریر و تنقیح خواجه نصیرالدین طوسی
ریاضیات	شمسیه الحساب	نظام الدین حسن بن محمد نیشابوری
ریاضیات	مفتاح الحساب	غیاث الدین جمشید کاشانی
ریاضیات	رساله فارسی در هیئت	علاء الدین علی بن محمد معروف به قوشچی
ریاضیات	شرح ملخص	اثر محمود چغمینی خوارزمی که شرح‌های متعدد بر آن نوشته شده است.
ریاضیات	تذکره در علم (هیئت)	اثر خواجه نصیرالدین طوسی
ریاضیات	مجسطی (هیئت)	بطلمیوس که شروح متعدد دارد که در حوزه تدریس می‌شد.
ریاضیات	اسطرلاب (هیئت)	ابو احسین عبدالرحمن معروف به صوفی
ریاضیات	صور کواکب (هیئت)	ابو احسین عبدالرحمن معروف به صوفی
ریاضیات	رساله بیست باب در فن اسطرلاب (هیئت)	خواجه نصیرالدین طوسی

همچنین در زمینه فقه، اصول فقه، حدیث، تفسیر و دیگر رشته‌ها، کتاب‌های بسیاری، منبع و محتوای درسی در حوزه‌های علمیه بود که به دلیل رعایت اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم (Tonekaboni, 1974).

جامعیت و تنوع رشته‌های علمی

یکی از وجوه امتیاز محتوای آموزشی در حوزه‌های علمیه جامعیت و تنوع علمی و اهتمام به رشته‌های مختلف علمی در آن بود. در دوره تاریخی پهلوی حوزه علمیه تهران، کانون آموزش و پژوهش‌های اکثر علوم و فنون مورد نیاز امت بود و تعدد کمی علوم در حوزه، مورد توجه بود. با توجه به اینکه هدف تحصیل در حوزه علمیه رسیدن طالب علم به منطق وحی و دستورالعمل مدینه فاضله الهی است و برای اشراف و تحصیل معارف الهی، طلبه علوم دینی، لازم است در رشته‌های مختلف علمی توانمند باشد طلبه برای رسیدن به این جایگاه باید، ادبیات، منطق، فلسفه، عرفان، فقه، اصول، ریاضی، نجوم، ... را بداند (Hassanzadeh Amoli, 2001). لذا از امتیازات حوزه درسی تهران دروسی مانند ریاضیات و طبیعیات است که در حوزه‌های دیگر کمتر با آن‌ها پرداخته می‌شد (Javadi Amoli, 2022). اهتمام به ریاضیات از دو جهت مورد توجه و اهمیت قرار داشت؛ اول، اینکه از نظر علمی، برای به کارگیری در حل مطالب برخی ابواب فقهی، دوم؛ از نظر روشی، برای نظریه پردازی، سامان بخشی تحقیقات و ارائه مضبوط و ساختارمند مطالب و نیز مدیریت شئون و امور محوله در رشته‌های شغلی مربوط به روحانیت؛ چراکه پیشبرد این امور و شئون حاجتمند ذهن ریاضی و ذوق مهندسی است که این نکته در بین سلف مورد توجه جدی بود (Reshad, 2020). اهتمام به خوشنویسی و ادبیات فارسی و بهره‌گیری از متون اصیل ادب فاخر فارسی در گذشته معمول بود، در نتیجه توانایی بسیاری از طلاب در نگارش به نظم و نثر اصیل را در پی داشت (Hassanzadeh Amoli, 2001).

در نتیجه این جامعیت و تنوع علمی، ظهور و ازدیاد شخصیت‌های علمی جامع و متخصصان ذوابعاد و چند رشته‌ای، در این حوزه را در پی داشت. وجود اساتید بزرگی که جامع علم منقول و معقول در حوزه تهران بودند، نشان‌دهنده جامعیت علمی این حوزه در این دوره است. برای نمونه علامه شعرانی علاوه بر محتوای درسی فقه و اصول، متون فلسفی شیخ‌الرئیس مانند اشارات، شفا و قانون را مسلط بود و تدریس می‌نمود همچنین ایشان، نجوم، طب و ریاضیات، ادبیات و فلسفه تطبیقی را تدریس می‌نمود او به دلیل آشنایی به زبان‌های خارجی مانند: انگلیسی، فرانسوی، عبری، عربی؛ در فلسفه غرب تحقیق و نقد و بررسی داشت (Shirazi, 2016). غالب علمای بزرگ تهران در ادبیات و شعر تبحر داشتند و با اشعار خود در پی تربیت و تعلیم و ارشاد مردم بودند علمای بزرگی چون علامه شعرانی، میرزا مهدی الهی قمشه‌ای، و علامه حسن‌زاده آملی از این قسم هستند (Hassanzadeh Amoli, 2001). علاوه بر این در دوره پهلوی دوم فن خطابه در مدرسه سپهسالار توسط حسینعلی راشد به طلاب تدریس می‌شد (Sahab, 1950). همچنین تاریخ و جغرافیای اسلامی توسط سید محمدصادق نشأت (۱۲۷۵)

۱۳۴۶ یا ۱۳۴۷ش)، نویسنده، مترجم و مدرس، زبان و ادبیات عربی در مدرسه سپهسالار، تدریس می‌شد (Amin Ameli, 1999). در مدرسه مروی کلاس آموزش فلسفه به شکل تطبیقی، توسط استاد مطهری، دایر می‌شد.

عمق معرفتی

از دیگر وجوه امتیاز محتوای آموزشی در حوزه‌های علمیه علاوه بر تعدد کمی و جامعیت علمی؛ کیفیت علوم و عمق معرفتی در آن نیز مورد توجه بود. داشتن سواد عمیق در همه رشته‌ها از الزامات تحصیل در حوزه علمیه است و توانایی در تدریس کفایه و مکاسب تازه اول کار طلبه است چراکه برای پاسخ‌گویی به شبهات علیه دین، مستلزم سواد بسیار عمیق است، از این رو علمای گذشته مهم‌ترین و عمیق‌ترین کتاب‌ها را در زمینه‌های مختلف علمی نوشتند و ماندگار شد (Javadi Amoli, 2022). برای نمونه یکی از آثار فقهی عمیق کتاب «جامع المدارک فی شرح مختصر النافع» اثر سید احمد خوانساری (م ۱۳۶۳ش) است که اثری جامع در فقه استدلالی و شرحی بر المختصر النافع نوشته محقق حلی است. این اثر بیانگر احاطه علمی نویسنده بر فقه و مبانی آن است (Tabatabai, 1999). امام خمینی در پاسخ به بعضی از سؤالات فقهی به کتاب جامع المدارک و دیدگاه سید احمد خوانساری استناد می‌نماید (Khomeini, 2010). به دلیل همین عمق معرفتی کتاب عرفان نظری، شیخ محمدعلی حکیم تشکرشیرازی (م ۱۳۵۰ش به بعد)، به نام «لطائف العرفان» در دانشگاه تهران به چاپ رسید^۱.

مدارس علمیه در علوم انسانی از چنان عمق معرفتی برخوردار بودند که حتی برخی جوانان و آقازاده‌های اروپا رفته و دانشگاه زده نیز که قصد طلبگی نداشتند، برای تحصیل این دسته از علوم به این مدارس می‌آمدند (Sobhani Sadr, 2020)، بعضی از گزارش‌های تاریخی این مسئله را تأیید می‌کند.

یکی از دلایل موفقیت طلاب حوزه علمیه عمق علمی کتاب‌های درسی آن است، چون کتاب‌های درسی، کتاب‌های سنگینی است، بنابراین وقتی عقل مطالب سنگین را فهمید و حل کرد، کتاب‌های ساده و سبک، خودبه‌خود، حل می‌شود؛ درواقع طلبه حرف فهمیدن را می‌آموزد و وقتی حرف فهمیدن را آموخت، حرف‌های دیگر را می‌فهمد (Hassanzadeh Amoli, 2001). نقاط مثبت این کتاب‌ها به‌خصوص فقه و اصول این است که برای آن‌ها کار و دقت زیادی شده است این واقعیتی تردیدناپذیر است که این کتاب‌ها ملا تربیت می‌کند (Khatami, 2006).

البته این مسئله به معنای عبارات سنگین و ناموزون نیست، بنابراین برای ورزیدگی ذهن باید معانی، متین و وزین باشد، نه عبارات سنگین و ناموزون، به میزانی که وقت و انرژی فکری طلبه، در فهم لغات غریب و ترکیبات ناموزون صرف شود (Jafari, 2003). درباره عمق معرفتی در محتوای آموزشی در حوزه‌های علمیه استاد مهدی گلشنی آورده است:

بنده، خودم از یک فیلسوف آمریکایی شنیدم و هم در مقاله او دیدم که گفت اگر کیهان‌شناسی معاصر را از حالا بگیریم و به‌طرف عقب برویم، از هاوکینگ که به‌طرف ابن‌سینا می‌رویم از آشفتگی به‌طرف وضوح می‌رویم، و به من در آمریکا می‌گفت به ملاها بگو که ابن‌سینا را ترجمه کنند و می‌گفت وقتی من مقایسه می‌کنم وضعیت فعلی را با وضعیت تامس آکویناس، بعد، تامس را مقایسه می‌کنم با ابن‌سینا، می‌بینم هر چه به‌طرف عقب می‌رویم، وضوح، بیشتر و بیشتر می‌شود. الآن عمقی که باید باشد نیست (Golshani).

تأکید وقف‌نامه‌ها بر تنوع علمی و عمق معرفتی

شاید بتوان گفت که تنوع علمی در حوزه علمیه تهران به دلیل آن است که واقفین بعضی از مدارس به جامعیت علمی و عمق معرفتی آن‌ها اهتمام داشتند چنانکه واقف مدرسه سپهسالار جدید برای این مدرسه مدرس معقول و منقول و معلم ریاضی، مقدمات و ادبیات، تعیین و تکالیفی را برای آن‌ها مشخص نموده است (Sahab, 1950). همچنین واقف مدرسه سپهسالار قدیم با مدنظر قرار دادن تنوع علمی این مدرسه، در وقف نامه آن آورده است؛ طلاب در تحصیل مطلق علوم مختارند، هر علم که بخواهند از عقلی و نقلی تحصیل کنند و حجره‌های

^۱. مصطفوی، زندگی نامه آیت الله سید حسن مصطفوی به قلم خودشان، شنبه ۳۰ جمادی‌الاولی ۱۴۳۶: <http://erfanvahekmat.com>؛ صدوقی سها، «آقا میرزا محمد علی حکیم شیرازی» مجله وحید تیر ۱۳۵۸، شماره ۲۵۸ و ۲۵۹، ص ۶۱.

مدرسه مخصوص طالبین علوم است اگرچه علم طب تحصیل نمایند. از طرف دیگر با موردتوجه قرار دادن کیفیت و عمق معرفتی آن، یکی از شرایط مدرس مدرسه را تبحر او در علوم عقلی، طبیعی و نقلی ذکر نموده و توانایی تدریس قواعد علامه حلی دانسته است، درحالی که علامه حلی در قواعد مسائلی را عنوان کرده است که باید با قواعد ریاضیات عالی، جبر و مقابله و معادلات ریاضی حل می شود (Hassanzadeh, 2001). علامه حلی بسیاری از مسائل فقهی کتاب قواعد را که یکی از متون فقهی امامیه است، مثلاً مسائل وصایا را به قواعد جبر و مقابله حل کرده است (Zamani Qomshahi, 2011). مدرس مدرسه باید عالمی باشد که در علوم عقلیه الهیه و طبیعی توانا و مسلط باشد و مدرس علم منقول باید بتواند کتاب ریاض سید طاب ثراه و قواعد علامه (ره) را در فقه و کتاب فواید شیخ مرتضی (ره) و کتاب فصول شیخ محمد حسین در علم اصول را تدریس نماید. و مدرس علم حکمت، کتاب شفاء ابن سینا و کتاب اسفار ملا صدرا را، و مدرس ادبیات کتاب مقامات بدیع الزمان و حریری و دیوان ابوالطیب را بتواند تدریس کند (Kazerooni, 2001).

شرایط محتوای آموزشی در وقف نامه ها

با بررسی وقف نامه های مدارس علمیه، روشن می شود که در اغلب این وقف نامه ها برای محتوای آموزشی در مدارس، شرایطی از طرف واقفین ذکر گردیده است و حتی گاهی از کتاب های مدنظر در وقف نامه ها نام برده شده است (Kazerooni, 2001). برای نمونه واقف مدرسه مروی مدرسه را برای محصلین «علوم شرعی» و «طلبه علوم دینی» و متعلقات آن از مقدمات علوم، وقف نموده است (Ostadi, 1996). واقف مدرسه معمارباشی موافق آموزش فلسفه و عرفان نبوده است از این رو برای محتوای آموزشی این مدرسه در وقت نامه آن شرط کرده است که کتب معقول که مشتمل باشد بر بعضی از مطالب که خلاف معتقد اهل شرع است، مانند وحدت وجود و نفی معاد جسمانی و قول به عقول عشره و امثال ذلک من الخرافات..... در این مدرسه تدریس و تدرس نشود و عقاید صوفیه هم تدریس نشود، مگر کسی که در مقام رد و ابطال این مطالب باشد.^۲

واقف مدرسه محمودیه نیز برای طلاب و محصلینی که قصد سکونت در حجره های مدرسه را دارند شرط نموده است «طلبه ای که برای آموختن حکمت آمده است حق ساکن شدن در حجره مدرسه را ندارد مگر آنکه یک دوره فقه و اصول گذرانده باشد»^۳ توجه به محتوای آموزشی برگرفته از باورها و اندیشه های واقفان است. که آن را با تقیدات شرعیت در وقف قانونمند می سازند. واقفانی که آموزه های صوفیانه و درویش مآبی را به هیچ نحو بر نمی تابند و تدریس آن را در مدرسه وقفی خود حرام اعلام می کنند. افرادی که بیشتر اعتقاد به چهارچوب های فلسفی و عقلانی و حکمت و منطق دارند و در مقابل افرادی که مخالف حکمت بوده و جواز اسکان در حجره ها را به ترک آن علوم می دانند. و همه علوم را در فقه و اصول خلاصه می کنند که می توان نتیجه گرفت که در این زمان نیز طیف های مختلف فکری بودند که هر کدام دنبال ترویج اندیشه ها و علوم مورد نظر خود از طرق مختلف مانند وقف مدارس به این نیت بوده اند (Shahbazi, 2021).

۲. آسیب ها و چالش ها

در کنار نقاط قوتی که برای محتوای آموزشی ذکر شد می توان به آسیب ها و چالش های آن هم اشاره کرد که در ذیل می آید.

عدم به روزآوری مواد آموزشی

یکی از مهم ترین نقاط ضعف در متون درسی حوزه های علمیه عدم به روزآوری مواد آموزشی بوده است. در حوزه های علمیه از جمله حوزه تهران علمی مانند صرف، نحو، منطق، فلسفه، معانی، بیان، کلام، فقه، اصول، هیئت و نجوم و ریاضی خوانده می شد ولی محتوا و کتاب های درسی آن ها به غیر از صمدیه معمولاً مربوط به پانصد تا نهصد سال پیش بوده است ضمن اینکه همگی آن ها از علمای اهل سنت بود. کتاب هایی مانند:

^۱. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات اسناد، سند ۷۲۶

^۲. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۱۴؛ شیخ الحکامی، «مسجد مدرسه معمارباشی تهران»، وقف میراث جاویدان، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۱ش، ص ۲۵ - ۳۲.

^۳. سازمان اوقاف و امور خیریه دفتر اسناد و شناسایی موقوفات، سند شماره ۷۲۶.

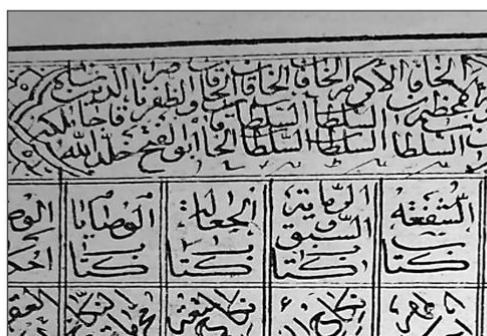
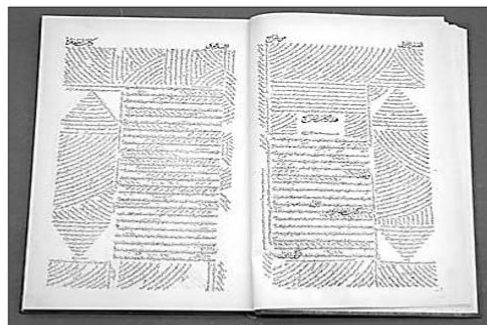
امثله، شرح امثله، صرف میر و کبرای میر سید شریف جرجانی (م ۸۱۶ ق)^۱ و کتاب عوامل از عبد القاهر جرجانی (م ۴۷۱ ق) و کتابهای تصریف و شرح نمودج از زمخشری (م ۵۳۷ ق) و کتب مطول و تهذیب منطق از تفتازانی (م ۷۹۲ ق) و نیز مغنی ابن هشام (م ۷۶۱ ق) و بهجة المرضیة سیوطی (م ۹۱۰ ق) با شرحها و حاشیه‌های متعددشان هر کدام، متعلق به اصحاب خلفا هستند. و کتابهای فقه و اصول خود ما هم همچون معالم و شرح لمعه و قوانین و رسائل و مکاسب و کفایه نیز، چه از نظر مبانی و محتوی و چه از لحاظ اجمال و تفصیل هیچ‌کدام با سیر زمان و دگرگونی اوضاع جهان و با نیازها اجتماعی مطابقت نداشتند (Davani, 2006). با بررسی محتوای آموزشی حوزه تهران، کاستی بعضی از کتب درسی حوزه در همپایی با تحولات محیطی به‌وضوح آشکار می‌شود. برای نمونه احکامی چون خرید و فروش عبد، کنیز، احکام عبد فراری، ام‌ولد و غیره؛ که در جامعه آن‌روز منسوخ شده بودند. همچنین بعضی از گزارش‌های تاریخی به عدم به‌روز بودن محتوای درسی در حوزه‌های علمیه در دوره پهلوی اذعان داشته و گریختن از تمدن جدید و نادیده انگاشتن آن را از نقاط ضعف آن به شمار می‌آورد (Shadman, 1952). شاید به دلیل نبود سیستم تطبیق مسائل روز در کتاب‌های فقهی و عدم طرح شبهات جدید و پاسخ آن‌ها در کتاب‌های علم کلام از دلایل این ضعف در محتوای آموزشی بوده باشد. همچنین به دلیل این‌که، فقاقت و ابواب فقه از جامعه منعزل و کنار گذاشته شده بود، برای رفع نیازمندی‌های اجتماع به آن‌ها رجوع نمی‌شد؛ لذا فقه‌های ما بیشتر به همان مسائل می‌پرداختند و به ابواب محدودی از فقه قناعت می‌کردند و شاید در ذهن شریفشان این بوده است که هرگاه به مسائل دیگری نیاز پیدا شد، با در دست داشتن مبانی، تطبیق آن بر مسائل جدید مشکل نیست. در حالی که ما امروز می‌بینیم که این‌گونه نیست و برای پاسخ‌گویی نیازهای اجتماع یک کار عمیق و توان‌فرسایی لازم است (Jafari, 2003). از این‌رو امام خمینی (ره)، ضمن تأکید بر حفظ ارکان محکم فقه و اصول رایج در حوزه‌ها و تأکید بر اجتهاد «جواهری» به صورتی محکم و استوار، زمان و مکان را دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد می‌دانستند (Khomeini, 2010).

تهی بودن متون از زبان آموزش

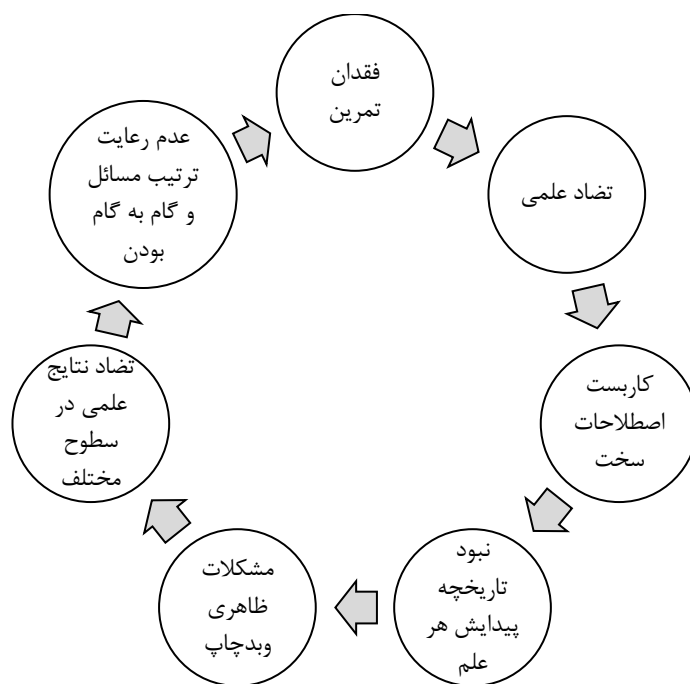
یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف در متون درسی حوزه‌های علمیه عدم بهره‌مندی این متون، از زبان آموزش بوده است. چراکه اغلب کتاب‌های درسی حوزه برای تدریس نوشته نشده‌اند، برای مثال کتاب «مکاسب» درس خارج فقه شیخ انصاری است و کتاب «رسائل» درس خارج اصول شیخ انصاری است و ایشان این کتاب‌ها را به‌عنوان کتب درسی ننوشتند است از این‌رو این کتاب‌ها ضوابط کتاب‌های درسی را ندارند (Khatami, 2006). متون آموزشی برای موفقیت در رسالت خود در امر آموزش، باید دارای ویژگی‌هایی باشند تا فراگیران بتوانند، به‌راحتی به اهداف آموزشی دست پیدا کنند خصوصاً رعایت این مسئله در مراحل ابتدایی آموزش باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد چراکه عدم رعایت این اصول و یا کمترین اشتباهی در مسیر آموزش می‌تواند به فراگیران آسیب‌های جبران‌ناپذیری را وارد کند به‌طوری‌که فراگیر با از دست دادن اعتماد به نفس خود در یادگیری، برای همیشه از نعمت یادگرفتن محروم گردد و یا با رعایت کردن آن، برای همیشه علاقه‌مند به مطالعه و پژوهشگری شود (Shahbazi, 2021). عدم رعایت ویژگی‌های متن درسی در بعضی از کتب درسی رسمی حوزه از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود مانند: عدم رعایت ترتیب مسائل و اصل تدریج و گام‌به‌گام بودن، در تبویب و فصل‌بندی متون آموزشی؛ چنانچه بعضی از مباحث در جای خودش نیست و باید باب جدیدی را ایجاد نموده و مباحث را بر اساس آن تنظیم و تألیف کرد (Haeri, 1998). نداشتن تمرین در برخی از کتب ادبی، منطق، کلام، فلسفه، اصول و ... (Kharazi, 1996)؛ تفاوت و گاهی تضاد نتایج علمی کتاب‌ها در سطوح مختلف؛ به‌عنوان نمونه اگر محصلی در نیمه راه تحصیل از حوزه بیرون رود بهره علمی او با دستاوردهای علمی کسی که دوره را تکمیل کرده، قابل‌مقایسه نیست و در موارد بسیاری نتایجی را که دریافت کرده با بهره‌های کسی که دوره را به پایان رسانده بسیار متفاوت است؛ زیرا بسیاری از نتایج کتاب‌های اولیه در سطوح بالاتر مورد بررسی قرار گرفته و رد شده است (Kharazi, 1996) و گاهی کتاب‌های درسی حاوی لغات غریب، عبارات سنگین و ترکیبات ناموزون بود که وقت و انرژی فکری فراگیران صرف فهم آن می‌شد (Jafari, 2003).

۱. برخی مصادر او را شیعه دانسته‌اند. (شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۱۷)

به‌طور کلی به دلیل تهی بودن متون آموزشی از زبان آموزش در حوزه‌های علوم دینی در بسیاری از موارد باعث ناکارآمدی و عدم بهره‌وری فراگیران را موجب می‌شد. چنانکه در حوزه‌های علوم دینی ادبیات عرب چون با متد غلط خوانده می‌شود در نتیجه طلاب علوم دینی پس از سال‌ها تحصیل ادبیات عرب، با آنکه قواعد زبان عربی را یاد می‌گیرند، خود زبان عربی را یاد نمی‌گیرند، نه می‌توانند با آن تکلم کنند و نه می‌توانند از عربی فصیح استفاده کنند یا به عربی فصیح بنویسند. شاید بتوان مشکلات ظاهری کتاب‌های درسی بدچاپ که متون آن در میان حواشی زیاد گم‌شده بودند (Shadman, 1952) را هم به این نقطه‌ضعف اضافه نمود. همچنین نبود تاریخچه پیدایش هر علم و یا مسائل مهم در کتاب‌های درسی از قبیل حجیت اخبار و ظواهر قرآن (Kharazi, 1996) و غیره می‌تواند جزو نقاط ضعف محتوای آموزشی باشد.



شکل ۱. تصاویر چاپ سنگی کتاب شرح لمعه



شکل ۲. نمودار تھی بودن متون از زبان آموزش

عدم تناسب محتوای آموزشی با توانایی‌های فراگیرنده

یکی دیگر از نقاط ضعف در محتوای آموزشی حوزه‌های علمیه نقص در روش بیان و عدم تناسب محتوای آموزشی با توانایی‌های فراگیرنده بوده است چنانکه کتاب‌ها به بیان روز نبوده و با لغات بروز نوشته‌نشده است (Haeri, 1998) که این مسئله دشواری فهم مطالب را برای فراگیران به همراه داشته است.

امری که امروزه در محافل علمی و در عرصه‌های روانشناختی رشد، مورد پژوهش‌های علمی و تحقیقات دقیق تأیید و اثبات شده است که ذهن آدمی در هر مرحله از رشد سنی، دارای قابلیت‌هایی در درک و فهم می‌باشد. تصور و تصدیق مفاهیم اولیه، انتزاعی، و... هریک برای دوره‌ای خاص از سن فراگیر می‌باشد و در صورتی که این امر به صورت صحیح اجرایی نشود یادگیری به معنای واقعی اتفاق نخواهد افتاد (Shahbazi, 2021).

چیزی که در اغلب کتاب‌های درسی حوزه رعایت نشده است. برای مثال گاهی یک کتاب درسی که طلبه جوان بیست‌ساله باید بخواند و بفهمد، گاهی بزرگ‌ترین مجتهد اصول‌دان از شرح مسائل آن عاجز می‌ماند، معلوم نیست ذهن طلبه جوان چگونه می‌تواند از عهده حل و فهم آن برآید و مطلب در ذهنش بماند، باینکه می‌دانیم کتاب‌های نهایی، مبسوط، تهذیب، استبصار و الجمل و العقود شیخ طوسی با همه قدمت آن که فقه استدلالی هزار سال پیش است از لحاظ فهم لحن ائمه اطهار (ع) و شارع اسلام از فصول و ریاض و مناهل و مفاتیح و جواهر و مکاسب آسان‌تر است (Davani, 2006). شاهد بر این مسئله نگارش و چاپ تعداد بسیار زیاد از کتاب‌هایی است که با عنوان شرح، حاشیه و تقریرات گوناگون در حوزه‌های علمیه از جمله حوزه تهران باهدف آسان کردن فهم کتاب‌های درسی معمول شده بود. مانند کتاب «منظومه» ملاهادی سبزواری در موضوع منطق و فلسفه به دلیل مشکل بودن آن «شرح منظومه» و سپس «حاشیه» بر شرح منظومه بر آن نوشته شده است با این حال فهم آن بسیار مشکل است.

کاربرد زیاد اصطلاحات دشوار در پاره‌ای از کتب حوزه از نقاط ضعف آن است، البته دشوار بودن متون تا حدی لازم است تا محصلان توانایی مراجعه به مراجع و مصادر اولیه که فهم آن‌ها دشوار است را داشته باشند و استفاده ببرند؛ زیرا اگر کتب درسی به صورت خودآموز دربیاید عمق

فکری به دست نمی‌آید و طلاب پس از گذراندن دوران تحصیل از رجوع به کتب عالی عاجز خواهند بود ولی تعقیدات زیاد هم موجب اتلاف عمر و درماندگی و تحیر می‌شود (Kharazi, 1996).

افراط و تفریط در توجه به متون

یکی دیگر از نقاط ضعف در محتوای آموزشی حوزه‌های علمیه، افراط و تفریط در توجه به بعضی از متون آموزشی در حوزه است. برای مثال در حوزه علمیه اهتمام بیشتر و تکیه بر فقه و اصول و مقدمات این دو علم صرف، نحو و ... بوده ولی به متون کلام، فلسفه، تفسیر، تاریخ تحلیلی اسلام، سیره ائمه و ... اهتمام لازم نبوده است (Haeri, 1998). حصر اجتهاد رسمی به فقه اصغر و عدم اهتمام کافی به فقه اکبر؛ عدم توجه لازم به تحقیق موازی در منابع سه‌گانه دین (وحی، سنت و حکمت / عقل) و نگاه حاشیه‌ای و جنبی به تحصیل علوم عقلی، علوم قرآنی و تفسیر و علوم حدیث و تحصیل اجتهاد به معنی الکلمه در این معارف، از نقاط ضعف در توجه به متون درسی است (Reshad, 2020). بعضی از گزارش‌های تاریخی از دوره پهلوی بیان می‌کند که تا چندی پیش که حل و فصل جمیع دعاوی و مسائل حقوقی و جزائی با فقیهان و مفتیان و قاضیان بود مدارس قدیم غیر از فقیه و مفتی و قاضی، علما و فضلاء متبحر در شعب علوم و فنون نیز بسیار پرورش می‌داد ولیکن از آن روز که در ایران اصول قوانین فرنگی را کم‌کم اقتباس کردند و مطالب و مسائل مربوط به نکاح و طلاق و ارث هم، ماده به ماده در قانون مدنی مدون گشت و رئیس محضر بی‌عمامه شد و دست فقیه را از هر کاری غیر مسئله‌گوئی در باب عبادات کوتاه ساختند فقه و مقدمات و توابع و لواحقش را در این مدرسه‌های قدیم، محور دروس کرده‌اند و به علم و ادب چنانکه باید توجهی نمی‌نمایند (Shadman, 1952). این آفت باعث به محدودیت گرویدن و «تک‌ساحتی شدن» تحصیلات می‌شد، این در حالی بود که در دوره قاجار حوزه علمیه تهران کانون آموزش و پژوهش همه علوم مورد نیاز امت بود. استاد علی دوانی در انتقاد به این افراط و تفریط در حوزه‌های علمیه آورده است:

شیخ طوسی فقیه بزرگ شیعه در کلیه علوم اسلامی بر مبنای مکتب اهل بیت استاد بوده و در همه آن‌ها کتاب نوشته و کتب او نیز از بهترین نوع خود به شمار می‌رود در صورتی که فقها و دانشمندان امروز ما اکثراً چنین نیستند فقط فقه و اصول را مورد نظر قرار داده‌اند و دیگر از تفسیر و حدیث و رجال و درایه و کلام و فلسفه و ادبیات تقریباً خبری نیست نه آن را تدریس می‌کنند و نه در آن تألیف دارند و نه به فکر رسمیت دادن آن‌ها هستند. تازه همین فقه و اصول یعنی رشته اختصاصی جانشینان شیخ طوسی هم به چه صورتی درآمده است؟ اصول آن بی‌پایان و فاقد مرز و بوم است به طوری که همه چیز دارد و یکی هم «قواعد مهمه لاستنباط الاحکام الشرعیه»! اصول امروز از هر خرمنی خوشه‌ای چیده و به عنوان ثمره علمی از علوم دیگر نیز مدد گرفته است منطق و فلسفه و لغت و معانی و بیان و کلام و غیره چنان اصول ساده شیخ طوسی و سید مرتضی را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته است و به قدری مباحث آن را تفصیل و توضیح داده و مسائل تازه بر آن افزوده، و شروح و حواشی و شرح بر شرح و حاشیه بر حاشیه و متن و شرح نوشته‌اند که پس از چندین بار درس گرفتن هم آمادگی برای بیان آن نداریم و به این آسانی‌ها نمی‌توانیم فروع فقهی را بر اساس اصل تفریع کنیم (Davani, 2006).

یکی از بسترهای توجه افراطی به اصول فقه در حوزه‌های علمیه را باید در تحولات زمان ظهور آیت‌الله وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق) در عراق ریشه‌یابی کرد، مقارن ظهور فقیه اصولی بزرگ شیعه، آقا محمدباقر بهبهانی در عتبات عالیات، زمینه برای فعالیت علمای اصولی در ایران نیز مهیا شد. بهبهانی در نیمه دوم قرن دوازدهم، پس از مواجهه جدی با مسلک اخباری، که حدود دو قرن بر حوزه‌های علمی و جوامع شیعی سیطره داشت، و فائق آمدن بر فقه‌های مبرز این جریان در کربلا، اخباریگری را از رونق انداخت و نظریه اجتهاد مبتنی بر اصول فقه را احیا کرد (Momeni, 1996). از آنجایی که حوزه تهران در مسلک‌های علمی عمدتاً متأثر از مکتب فقهی و اصولی حوزه بزرگ نجف بود و دانش‌آموختگان از مکتب اصولی شیخ انصاری، میرزای شیرازی، آخوند خراسانی و سید محمدکاظم یزدی تبعیت می‌کردند توجه به اصول فقه را در میان علمای تهران می‌افزود (Kadi, 2002). از مهم‌ترین دروس مورد توجه در حوزه علمیه تهران فقه و اصول می‌باشد. به دلیل این که دو علم فقه و اصول، همه افعال مکلفین را مورد بررسی قرار می‌دهد جایگاه این دو علم در عصر پهلوی نیز در اوج بوده لذا اکثر علمای حوزه تهران به این دو علم

توجه ویژه داشته‌اند، برای نمونه تعداد کتب فقهی و اصولی از علمای این دوره تهران قابل توجه است و نسبت به سایر علوم از کثرت قابل توجهی برخوردار است (Tonekaboni, 1974). از این رو شهید مطهری در توجه افراطی به اصول فقه آورده است:

قرن‌ها در اسلام کسی نام اصول را نمی‌شنید و چنین علمی وجود نداشت بعدها هم که پیدا شد چند قاعده بیش نبود و معمولاً توسط کسانی که فقه تدریس می‌کردند در اول بحث مطرح می‌شد. اما امروزه حجم این علم بسیار بیشتر شده است.

زیاده‌روی در پرداختن به علم اصول، در عین این که یک نوع قدرت و هوشیاری در اندیشه طلاب ایجاد می‌کند، یک نقص دارد و آن این است که طرز تفکر طلاب را از واقع‌بینی در مسائل اجتماعی دور می‌کند و به واسطه این که حتی منطق تعقلی ارسطویی نیز به قدر کافی تحصیل و تدریس نمی‌شود، روش فکری طلاب بیشتر جنبه جدلی و بحثی دارد، و این بزرگ‌ترین عاملی است که سبب می‌شود طلاب در مسائل اجتماعی واقع‌بینی نداشته باشند شهید مدرس به عنوان یک فقیه و فیلسوف معتقد بود که تنها با درس فقه و اصول نمی‌شود عالم متعهد و آگاه به شرایط زمان و متخلق به اخلاق اسلامی تربیت نمود. لذا در کنار این درس‌ها به تدریس تفسیر قرآن مجید و درس اخلاق، به ویژه درس اخلاق بر پایه نهج‌البلاغه می‌پرداخت. او متأسف بود که آموزش قرآن در حوزه‌های علمیه متروک گردیده و در اثر این کوتاهی علمای ما نتوانسته‌اند یک، تفسیر قرآنی که متناسب با فرهنگ و زبان مردم عصر ما باشد بنویسند لذا برای جبران این نقیصه دست به کار شده و طرح آموزش قرآن و تألیف یک تفسیر جامع نوین را پی‌ریزی کرد که شهادت مانع از به سامان رسیدن این وظیفه مقدس شد، شهید مدرس، روزهای پنجشنبه برای طلبه‌ها درس اخلاق تدریس می‌کرد درس اخلاق مدرس از روی کتاب نهج‌البلاغه بود. تا آنجا که ما سراغ داریم، مدرس نخستین فرد از علمای معاصر و متأخر است که در عین داشتن عالی‌ترین مراتب و درجات علمی و فقهی و در اوج شهرت خود به عنوان یک عالم اصولی بزرگ، نهج‌البلاغه تدریس نموده است و با این کار نهج‌البلاغه را در حوزه‌های شیعه زنده کرد (Modarresi, 1987).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به بحث درباره مواد و محتوای آموزشی حوزه علمیه تهران پرداخته شد. محتوای آموزشی یکی از عناصر بسیار مهم در فرایند آموزش است که بدون آن، فرایند آموزش محقق نمی‌شود. نتایج حاکی است: محتوای آموزشی در نوع خود دارای نقاط قوت و ارزش‌هایی بودند. اصالت و اعتبار محتوای آموزشی، گونه‌گونی و تنوع مواد درسی و آموزشی، جامعیت و تنوع علمی و اهتمام به رشته‌های مختلف علمی، اهتمام و توجه به کیفیت علوم و عمق معرفتی در آن و داشتن سواد عمیق در همه رشته‌ها از الزامات تحصیل در حوزه علمیه است.

در کنار نقاط قوتی که برای محتوای آموزشی ذکر شد به بعضی از آسیب‌ها و چالش‌های آن هم اشاره شد. عدم به‌روزرسانی مواد آموزشی، عدم بهره‌مندی این متون از زبان آموزش، نقص در روش بیان و عدم تناسب محتوای آموزشی با توانایی‌های فراگیرنده، افراط و تفریط در توجه به بعضی از متون آموزشی از جمله نقاط ضعف در آن می‌باشد.

به نظر می‌رسد اصالت و اعتبار محتوای آموزشی در حوزه علمیه، از عوامل مهم هماهنگی، انسجام و درنهایت کارآمدی نهاد آموزشی و تربیتی حوزه علمیه بوده است. علاوه بر این؛ در بخش محتوای آموزشی سایر یافته‌های پژوهش به‌قرار زیر است:

۱. یکی از وجوه امتیاز محتوای آموزشی در حوزه‌های علمیه تنوع مواد درسی و آموزشی در آن بود و طلاب و اساتید، هریک از این مواد درسی را می‌توانستند برای یادگیری انتخاب نمایند.

۲. از دیگر وجوه امتیاز محتوای آموزشی در حوزه‌های علمیه جامعیت و تنوع علمی و اهتمام به رشته‌های مختلف علمی در آن بود. در نتیجه این جامعیت و تنوع علمی، ظهور و ازدیاد شخصیت‌های علمی جامع و متخصصان چندوجهی، در این حوزه را در پی داشت.

۳. محتوای آموزشی در حوزه‌های علمیه علاوه بر تعدد کمی و جامعیت علمی؛ از کیفیت و عمق معرفتی نیز برخوردار بود. داشتن سواد عمیق در همه رشته‌ها از الزامات تحصیل در حوزه علمیه است.

۴. با بررسی وقف نامه‌های مدارس علمیه، روشن می‌شود که در اغلب این وقف‌نامه‌ها برای محتوای آموزشی در مدارس، شرایطی از طرف واقفین ذکر گردیده است که رعایت آن‌ها از نظر کمی و کیفی بر آن‌ها تأثیر می‌گذاشت.
۵. از نقاط ضعف در متون درسی حوزه‌های علمیه عدم به‌روزرآوری مواد آموزشی بوده است.
۶. یکی دیگر از نقاط ضعف در متون درسی حوزه‌های علمیه عدم بهره‌مندی این متون، از زبان آموزش بوده است.
۷. افراط و تفریط در توجه به بعضی از متون آموزشی در حوزه، یکی دیگر از نقاط ضعف در محتوای آموزشی است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

The study of educational content and resources in the Tehran Seminary during the Pahlavi era offers a unique lens into the strengths, weaknesses, and cultural values that governed Islamic education at a time of significant political and social transformation. Historically, educational content has been recognized as the backbone of any learning process, and its alignment with pedagogical goals determines the overall effectiveness of instruction (Shabani, 2007). In the case of Tehran Seminary, the duality of rational ('aqlī) and traditional (naqlī) sciences created a foundation for a wide range of scholarly pursuits. Students specializing in jurisprudence (fiqh) became jurists, those in theology (kalām) became theologians, while others developed expertise in exegesis, hadith, philosophy, logic, astronomy, mathematics, and even medicine (Kasa'i, 1998). This intellectual breadth fostered a vibrant scholarly community where multifaceted scholars such as Allameh Sha'rani could flourish, embodying a tradition that integrated rational inquiry with religious authenticity. However, the historical-analytical approach employed in this study emphasizes that despite such strengths, challenges like the outdated nature of texts and a lack of adaptation to modern needs limited the seminary's responsiveness to societal change. This highlights the duality of resilience and stagnation within the seminary's

educational heritage, making it a rich subject for examining how traditional systems negotiate the pressures of modernity.

The literature review reveals a paucity of prior studies addressing Tehran Seminary specifically in the Pahlavi era, with most historical research focusing on the Qajar period. The few available works predominantly adopt descriptive approaches, emphasizing institutional structures, architectural features, and the biographies of scholars rather than analyzing educational content. For example, Razavi and colleagues emphasized the Islamic authenticity of curricula and the diversity of disciplines but also noted the rigidity and outdated nature of textbooks that undermined the seminary's ability to meet contemporary social needs (Razavi, 2011). Safari Foroshani and Ghera'ati showed how mosque-schools integrated rational and traditional sciences, though their heavy reliance on complex texts often burdened learners (Safari Foroshani & Ghorayati, 2016). Similarly, Sobhani Sadr underscored the production of multi-specialist scholars in philosophy, jurisprudence, and astronomy, while also warning of the risks of stagnation due to lack of curricular reform (Sobhani Sadr, 2020). Nouruzi and colleagues pointed out how outdated books limited effectiveness despite the comprehensive scope of subjects taught (Nouruzi, 2015). Hosseini, too, suggested that recent reforms introduced more diversity but did not adequately resolve the fundamental problem of curricular renewal (Hosseini, 2017). Classical works such as Soltanzadeh's study of mosque-schools (Soltanzadeh, 1999) and Kasa'i's documentation of Qajar-era schools (Kasa'i, 1998) provide context but little analytical depth regarding learning outcomes. By situating itself within this scholarly gap, the present research enriches the field with a comprehensive evaluation of strengths, weaknesses, and underlying values, thereby building a bridge between descriptive historical accounts and analytical educational studies.

Findings show that the authenticity of content—centered on the Qur'an and Sunnah—constituted a principal strength of Tehran Seminary's curriculum (Seyyed Kabari, 1999). Educational resources were designed around divine sources, with Qur'anic teachings and prophetic traditions forming the core of instruction, later systematized by Imams and transmitted through their disciples (Ibn Idris al-Hilli, 1991). Numerous texts across grammar, logic, jurisprudence, and theology were written to preserve and disseminate these principles (Hakimi, 1982; Tonekaboni, 1974). Such authenticity distinguished seminary curricula from secular educational models rooted in humanism and Western rationalism (Hassanzadeh Amoli, 2001). Furthermore, curricular diversity allowed students to progress from foundational texts like *Jame' al-Muqaddamat* to advanced works in jurisprudence, logic, and theology, and even to specialized treatises in mathematics and astronomy (Javadi Amoli, 2022; Zamani Qomshahi, 2011). This multiplicity of resources nurtured comprehensive scholarly training, with figures like Allameh Sha'rani mastering multiple fields including jurisprudence, philosophy, mathematics, and comparative philosophy (Shirazi, 2016). Such examples underscore how Tehran Seminary upheld the classical Islamic tradition of producing polymath scholars who could engage in diverse intellectual domains. The inclusion of literature, calligraphy, and rhetoric further deepened cultural refinement, while the presence of instructors in philosophy, comparative thought, and Qur'anic exegesis enriched the intellectual ecosystem (Amin Ameli, 1999; Sahab, 1950). This reveals the seminary's emphasis on both breadth and depth of knowledge, illustrating a holistic educational model that remains instructive even today.

A central dimension of the seminary's strength was the intellectual depth of its texts, which cultivated rigorous reasoning skills among students. Works such as *Jame' al-Madarek* by Sayyed Ahmad Khansari exemplified the kind of advanced jurisprudential analysis required of students (Tabatabai, 1999). Imam Khomeini himself cited such works in his juridical responses, demonstrating their authority (Khomeini, 2010). The depth of training ensured that students were not merely memorizing content but were engaging critically with complex theological and legal arguments. As noted by scholars, the intellectual demands of texts like *Kifayah* and *Makasib* created generations of highly capable jurists, though at times the complexity verged on inaccessibility

(Jafari, 2003; Khatami, 2006). Historical accounts even note that European-educated elites would occasionally study seminary texts to access their depth of reasoning (Sobhani Sadr, 2020). Moreover, endowment charters reinforced this intellectual breadth by stipulating the teaching of multiple disciplines—including philosophy, mathematics, and jurisprudence—and emphasizing the quality of teachers capable of bridging rational and traditional sciences (Kazerooni, 2001; Zamani Qomshahi, 2011). This integration of curricular design and institutional support highlights how endowments acted as a structural mechanism to ensure both variety and depth in education, thereby strengthening the resilience of the seminary system.

Yet, alongside its achievements, Tehran Seminary faced substantial challenges. A key weakness was the reliance on outdated materials that did not align with contemporary needs (Davani, 2006). Texts such as those of Zamakhshari, Jorjani, and Tusi, while foundational, often reflected contexts centuries removed from twentieth-century realities. Historical critics lamented the persistence of teaching outdated rulings on slavery or transactional norms that were obsolete by the Pahlavi period (Shadman, 1952). The lack of adaptation to modern social and legal contexts rendered the curriculum ill-equipped to address pressing contemporary issues. Furthermore, many texts were not originally written as pedagogical materials but as advanced treatises, lacking the didactic clarity necessary for learners (Haeri, 1998; Khatami, 2006). This resulted in difficulties for younger students, who often struggled to grasp texts beyond their developmental capacities (Shahbazi, 2021). The absence of progressive sequencing, inadequate exercises, and reliance on obscure terminology further hindered comprehension (Kharazi, 1996). Additionally, critics noted the seminary's overemphasis on jurisprudence and principles at the expense of other disciplines such as exegesis, philosophy, and history (Haeri, 1998; Reshad, 2020). This imbalance narrowed the intellectual horizon of students, shifting the seminary from a multi-disciplinary training ground to a more narrowly juridical institution. Historical voices such as Davani and Modarresi argued that such disproportion undermined the seminary's capacity to cultivate socially engaged scholars attuned to contemporary issues (Davani, 2006; Modarresi, 1987). These criticisms illustrate that without curricular renewal and pedagogical reform, the seminary risked intellectual insularity despite its rich heritage.

In conclusion, the Tehran Seminary during the Pahlavi period represented both an intellectual powerhouse and a system struggling to reconcile tradition with modernity. Its strengths lay in the authenticity of its Islamic foundation, the diversity of disciplines taught, the intellectual depth of its texts, and the institutional support of endowments that ensured continuity and rigor. These features produced polymath scholars capable of bridging multiple domains of knowledge and sustaining the cultural vitality of Islamic learning. However, the system also bore weaknesses: outdated texts, lack of pedagogical clarity, misalignment with learners' capacities, and an excessive focus on jurisprudence at the expense of other sciences. These challenges limited its ability to fully address the demands of a rapidly changing society. By analyzing both dimensions, this study not only sheds light on the historical trajectory of the seminary but also provides insights for contemporary curriculum reform, emphasizing the need to balance authenticity with innovation, tradition with modernity, and intellectual depth with accessibility.

References

- Amin Ameli, S. H. (1999). *Mustadrakat A'yan al-Shi'a*. Dar al-Taaruf li al-Matbuat.
- Davani, A. (2006). *The Essence of Survival: Commemorating Allameh Mohaghegh Ali Davani*. Rahnamoon.
- Golshani, M. *Study of Religion (1): Obstacles, Constraints, and Imperatives*. Compiled and organized by the Secretariat of Religion Researchers of the Country.
- Haeri, M. (1998). *The Heart of the Believers: Pure Mysticism and Unity in Narratives*. Selected Publications Office.
- Hakimi, M. R. (1982). *The Professional Identity of Clergy*. Islamic Publications.
- Hassanzadeh Amoli, H. (2001). *Dialogue with Allameh Hassan Zadeh Ameli*. Tashayyuh.

- Hosseini, S. M. (2017). Strengths and weaknesses of the new educational plan of the seminary. *Hawzah News*. <http://hawzahnews.com/XXXX>
- Ibn Idris al-Hilli, M. I. A. (1991). *Al-Sara'ir al-Havi li Tahrir al-Fatawi wa al-Mustarafat*. Society of Teachers of the Qom Seminary, Islamic Publications Office.
- Jafari. (2003). *Mirrors of Truth: Interviews of the Hawzah Magazine with Scholars and Thinkers of the Seminary*. Book Garden.
- Javadi Amoli, A. (2022). *The Seminary and Clergy in the Collection of Speeches and Messages of Ayatollah Javadi Ameli*. Asra.
- Kadi, N. A. R. (2002). *Iran during the Qajar Era and the Rise of Reza Khan*. Qoqnus Publications.
- Kasa'i, N. A. (1998). Ancient Schools of Tehran in the Qajar Era. *Cultural Letter*(30). <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/585379/>
- Kazerooni, E. a.-D. (2001). Endowment Deed of the Sepahsalar Old School (Tehran). *Endowment of Eternal Heritage*(33-34). https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/14665&ved=2ahUKEwjB44C9gsCPAAXOHlKEHeRyHAoQFnoECB4QAQ&usg=AOvVaw2KgiD_fbdGNJhel7bQSzX
- Kharazi, S. M. (1996). Message of the Seminary Magazine. *Seminary Magazine*(10-11).
- Khatami, S. A. (2006). *The Seminaries: What They Are and What They Should Be*. Foundation for Research of Astan Quds.
- Khomeini, R. (2010). *Sahifeh Imam (5th edition)*. Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Modarresi, A. (1987). *Teacher*. Foundation for the History of the Islamic Revolution of Iran.
- Momeni, M. (1996). *Tehran, City of Sections 1*. Islamic Encyclopedia Foundation.
- Nouruzi, M. (2015). Review of Teaching Methods in the Seminary. <https://civilica.com/doc/XXXX>
- Ostadi, R. (1996). Lasting legacies: The endowment deed of the Marvi School in Tehran. *Endowment of Eternal Heritage*(13). <https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/279961/>
- Razavi, M. (2011). The Seminary of Tehran. *Quarterly Journal of Seminary and University Studies*(69), 69-85.
- Reshad, A. A. (2020). *The Educational Scientific System of Nourishing the Future*. Research Institute for Culture and Islamic Thought.
- Safari Foroshani, N., & Ghorayati, M. (2016). Investigating the Role of Mosque-Schools in Reforming Religious Discourse in Tehran during the Qajar Period. *Journal of Islamic History*(35), 35-50. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://jhr.ui.ac.ir/article_20888.html&ved=2ahUKEwjltfCXg8CPAAXVx1fACHQeEKUoQFnoECBYQAQ&usg=AOvVaw0HeRd5UKqbTi4wfTd2alDN
- Sahab, A. (1950). *History of the Supreme School of Sepahsalar*. No Publisher.
- Seyyed Kabari, S. A. (1999). *Shiite Seminaries in the World*. Amir Kabir.
- Shabani, H. (2007). *Educational and Developmental Skills (Teaching Methods and Techniques)*. Samt Publications.
- Shadman, S. F. (1952). Qom University and Other Universities in Iran. *Mehr Magazine*(9-10).
- Shahbazi, M. (2021). The Educational Institution of Imamiyyah during the Qajar Period. Qom: Doctoral dissertation, University of Islamic Sciences
- Shirazi, S. R. (2016). *On the Path of Knowledge: A Review of the Life and Memories of Ayatollah Seyyed Razi Shirazi*. Sooreh Mehr.
- Sobhani Sadr, H. (2020). *Feizieh, Tehran: A Biographical Account of the Notables of the Marvi and Sepahsalar Schools*. Hawzah Publications.
- Soltanzadeh, H. (1999). Mosque Schools of Tehran. *Endowment of Eternal Heritage*(28), 53-64.
- Tabatabai, M. (1999). A Look at the Jurisprudence of Ayatollah Seyyed Ahmad Khonsari and the Book Al-Jami al-Madarik. *Jurisprudence of the Ahl al-Bayt*(17-18).
- Tonekaboni, M. T. (1974). *Culture of the Iranian Land*. Bahman Publications.
- Zamani Qomshahi, A. (2011). *Innovations of Allameh Shoarani in Qibla Determination, Calendar, Spatial Mechanics, Gravitational Techniques, and Critique of Newtonian Gravity* *The Thought Journal of Allameh Shoarani*.